

بازار سرمایه چیست؟

یکی از مفاهیم رایج سرمایه گذاری، مفهوم بازار سرمایه است. تعدادی از

سرمایه گذاران بالفعل و بالقوه بورس اوراق بهادار تهران در سومین نمایشگاه بین

المللی بازار سرمایه از نگارنده خواستند تا به زبان ساده مفهوم بازار سرمایه را

تشریح نماید.

از این رو مقاله حاضر در پی پاسخ به سه سوال زیر است: الف) بازار سرمایه

چیست؟ ب) وظایف و کارکردهای آن کدام است؟ ج) نقاط ضعف و قوت بازار

سرمایه کشور چیست؟ بازار سرمایه بطور کلی بازار سازوکاری است که به کمک

آن مردم به خرید و فروش کالا و خدمات می پردازند. بازارها نیازمند بازیگران و

زمان کار مشخص هستند. خریداران در بازار دارای قدرت انتخاب مناسب هستند و

می توانند از بین کالاها و خدمات، بهترین آنها را انتخاب نمایند. فروشندگان نیز به

خریداران بسیاری دسترسی دارند و از این رو هزینه های ارتباطی کمتری می

پردازند. بازار سرمایه نیز مشابه هر بازار دیگری است، اما مهمترین کالای این بازار،

سرمایه است. بازار سرمایه بخشی از بازارهای مالی است. بازار سرمایه در مقابل

بازار پول، جایگاه تامین بلندمدت سرمایه شرکتهاست. بازار سرمایه زیربنای فعالیت

های تجاری، صنعتی، دولتی و خصوصی است. بازار سرمایه واسطه ای برای

تخصیص وجوه بلندمدت به منظور تشکیل دارایی های سرمایه ای است. وجوه این

بازار از سرمایه گذاران انفرادی، شرکت های سرمایه گذاری، صندوق ها، بانک ها و دیگر دارندگان وجوه بدست می آید. وجوه مذکور جهت تامین مالی طرح های کسب و کار و توسعه ای شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار مورد استفاده

قرار می گیرد. به عبارت دیگر، بازار سرمایه، وجوه را از بخش های دارای مازاد جمع آوری می کند و آن را به سمت کسانی که نیازمند تامین مالی هستند، هدایت می کند.

کارایی بازار سرمایه، حاصل عملکرد بازیگران و نیروهای رقیب در آن است. در

کشورهای پیشرفته، بازار سرمایه و بخصوص بورس اوراق بهادار مهمترین جایگاه

تامین سرمایه واحدهای تجاری و صنعتی است. در حالیکه در کشورهای کمتر

توسعه یافته همچون ایران، تمرکز تامین مالی بر سیستم و شبکه بانکی است.

روانشناسی بازار سرمایه

بازار سرمایه ایران به دلیل افزایش سهم عوامل محیطی و فزونی یافتن ریسک

سیستماتیک نسبت به ریسک غیر سیستماتیک، به مراتب پیچیده تر از گذشته شده

است.

بازار سرمایه ایران به دلیل افزایش سهم عوامل محیطی و فزونی یافتن ریسک

سیستماتیک نسبت به ریسک غیر سیستماتیک، به مراتب پیچیده تر از گذشته شده

است. تغییرات رو به تزاید نرخ فلزات کانی و افزایش بهای جهانی نفت، منجر به رشد

جهشی شرکت های تولیدکننده مواد اولیه در نیمه اول سال جاری شد. تهدیدهای

منطقه ای، اعتصابات کارگری و تقاضای روزافزون برخی کشورها برای مواد اولیه

جهت تداوم رشد اقتصادی و سایر عوامل منجر به افزایش بهای بسیاری از مواد

کافی و غیرکافی در بازارهای بین المللی شد. بنابراین با توجه به روابط پیچیده در

دنیای معاصر برنامه ریزی استراتژیک متناسب با این شرایط بسیار دشوار و

غیرعملی است زیرا برنامه ریزی استراتژیک فرآیندی است که در آن به محیطی قابل

پیش بینی و به روابط خطی نیاز دارد. گری هامل استراتژیست برجسته معتقد است

برنامه ریزی یک فرآیند است و فرآیندها نمی توانند استراتژی تولید کنند. بنابراین

استراتژی یک برنامه نیست بلکه رویکردی است که براساس آن، فرصت های بالقوه

مورد شناسایی قرار می گیرد، در واقع تشخیص فرصت ها، جوهره اصلی استراتژی

محسوب می شود. توانایی درک محیط و تشخیص پارادایم الگوی ذهنی جدید، از

اصول اساسی تفکر استراتژی جدید به شمار می رود. ناتوانی در تشخیص فضای

جدید باعث می شود سرمایه گذاری ها به درستی صورت نپذیرد و فرصت های در

حال شکل گیری مورد شناسایی قرار نگیرند.

• استراتژی چرخشی پرتفوی سبد سهام

به طور کلی سرمایه گذاری در بازار سرمایه از طریق تجزیه و تحلیل و مدیریت

پرتفوی سبد مالی انجام می شود. روند سرمایه گذاری با مدیریت صحیح پرتفوی

تداوم می یابد. به همین جهت تبیین استراتژی چرخشی سهام در پرتفوی از ضرورت

های سرمایه گذاری در بازار سرمایه است. سرمایه گذارانی که نسبت به حرکت چرخشی سهام در پرتفوی خود کم توجه بوده و یا اعتقادی به آن ندارند و دارایی های مالی خود را با باور تکرار روزهای خوش نگهداری می کنند، ممکن است لطمه مالی را در درازمدت متقبل شوند. بنابراین ورود و خروج به موقع در بازار سرمایه و ایجاد تعادل بین ریسک هزینه و ریسک از دست دادن فرصت ها اهمیت زیادی در فرآیند سرمایه گذاری در بازار سهام دارد. از این رو سرمایه گذاران باید به طور مرتب نسبت به ترکیب سبد سهام خود از صنایع مختلف توجه کنند و مزیت ها و معایب آن را بررسی کنند. اگر در سبد مالی خود سهام شرکت های فعال در صنایع پیشرو، وجود دارد، آن را با ارزش ترین دارایی مالی خود بدانید و سعی کنید حداکثر بازده را از آن به دست آورید. در غیر این صورت از بازار عقب افتاده اید و باید حرکت را از نقطه دیگر و با تاخیر آغاز کنید. تاخیر در ورود، ریسک سرمایه گذاری جدید را افزایش می دهد و یا احتمالاً بازدهی کمتری نصیب پرتفوی می شود. کسب سود در گرو خرید و فروش مناسب و به موقع است. دقت در این مرحله حائز اهمیت است، بنابراین روند حرکتی قیمت سهام، حجم معاملات مربوطه، مقدار حجم مبنا و برآورد آتی از قیمت سهام بررسی شود تا تحت تاثیر شایعات و جو روانی بازار قرار نگیرید. در چنین شرایطی می توان خرید را پلکانی انجام داد تا بخشی از ریسک کاهش یابد. یا از خرید با تاخیر زمانی بسیار منصرف شوید.

ولی فراموش نکنیم یک سرمایه گذار موفق و هوشیار همیشه به دنبال اصلاح سبد مالی خود است. به طور کلی نحوه تصمیم گیری در بازار سرمایه، متأثر از دو رویکرد پیش نگر یا پس نگر است. رویکرد پیش نگر بر مبنای پیش بینی فرصت های نهفته در بازار شکل می گیرد و ریسک و نیز بازده بالاتری به همراه دارد. در حالی که رویکرد پس نگر به مراتب محافظه کارانه تر و کم ریسک تر بوده و پس از ظهور فرصت ها به ایجاد قابلیت های لازم جهت کسب بازدهی می پردازد و بالطبع میزان کسب بازدهی آن هم کمتر است. مجموع باورها، اعتقادات، خصوصیات شخصیتی از جمله میزان ریسک پذیری سرمایه گذاران، به انتخاب یکی از آن دو رویکرد منجر می شود.

• روانشناسی سرمایه گذاران در بازار سرمایه

بازار سرمایه، نمونه ای از جوامع انسانی محسوب می شود، بنابراین می توان برخی از مراحل معاملات خرید و فروش احساسی، تاثیر جو روانی بازار و پیروی محض از شایعات بازار را با مراحل تبدیل یک پدیده جدید به هنجار و پذیرش و پیروی عامه از آن در جامعه، به عنوان بخشی از رفتار انسانی مورد مقایسه و مطالعه قرار داد.

راجرز جامعه شناس آمریکایی در تحقیقات خود اعضای جامعه را در زمینه پذیرش تدریجی یک پدیده، به پنج دسته، نوآورها *innovators*، زود پذیرها *early adopters*، اکثریت زود *early majority*، اکثریت دیر *late majority* و دیر پذیرها یا عقب مانده ها *laggards* تقسیم می کند. در این تقسیم بندی بیشترین تعداد شامل افراد اکثریت زود است. در واقع بعد از شروع حرکت هنجاری ابتداء، زود پذیرها و سپس اکثریت زود، «استراتژی اطمینان» را در پیش می گیرند و برای عقب نماندن از پدیده ای که می رود به زودی هنجار شود، پیروی می کنند. در این الگو موتور حرکت زود پذیرها هستند. با نگاهی عمیق به بازار سرمایه و نحوه تصمیم گیری سرمایه گذاران در هنگام معامله می توان این الگو را مشاهده کرد. سفته بازان در بازار سرمایه نقش زود پذیرها را بازی می کنند، در واقع موتور حرکت در بازار سرمایه آنان هستند.

سفته بازان پس از شناسایی صنایع پیشرو و یا بعضا با سفته بازی در سهام، فعالیت خود را عملیاتی می نمایند و به دنبال آنان اکثریت زود اقدام به معامله سهام می کنند.

با گذشت تدریجی زمان و با تاخیر در چند نقطه در دامنه تغییرات حجم مبنای اکثریت

دیر و سپس با تاخیر بعدی دیر پذیرها یا عقب مانده ها وارد معاملات می شوند.

عموما ورود دیر پذیرها و عقب مانده ها در بازار سرمایه هنگامی صورت می گیرد

که نوآورها و زود پذیرها در حال خروج از بازار هستند و با کسب بازده مورد

انتظار، ریسک را به تازه واردان منتقل می کنند. در این شرایط نسبت قیمت به درآمد

p/e سهام به مرور افزایش یافته و ریسک خرید و نگهداری سهام افزایش می یابد. به

طور مثال می توان به وضعیت سهام شرکت های سیمانی در چند سال گذشته اشاره

کرد. بنابراین به نظر می رسد شخصیت سرمایه گذاران با انتخاب رویکرد و زمان

ورود آنان در معاملات سهام رابطه مثبت داشته باشد. بدین ترتیب سرمایه گذاران

می توانند با درک مناسبی از شرایط جدید نسبت به افزایش قابلیت های خود بیفزایند

و تصمیمات خود را مورد ارزیابی قرار دهند به طور کلی اتخاذ استراتژی سرمایه

گذاری در بازار سهام، با اهداف سه گانه کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت و میزان

سهام هر یک از آنان در سبد سرمایه گذاری تبیین می شود و با شخصیت روانی

سرمایه گذاران مرتبط است.

در یک الگوی تحلیلی، شخصیت سرمایه گذاران و رفتار آنان در بازار سرمایه را می

توان با الگوی راجرز در زمینه دسته بندی افراد در مواجهه با تغییر ارزش ها مطابقت

داد:

▪ نوآورها: نوآورها صنایع پیشرو را مورد شناسایی قرار می دهند. این سرمایه گذاران، عموماً سرمایه خود را به دو قسمت کوتاه مدت و میان مدت تقسیم می کنند و برای آنان سرمایه گذاری بلند مدت جاذبه ای ندارد. سبد مالی آنان از ریسک و نیز بازدهی بالایی برخوردار است.

▪ زود پذیرها: این افراد هنگامی که پارادایم جاری در بازار سرمایه تغییر می کند و فرصت جدیدی برای بهره برداری به وجود می آید، فعالانه بخش قابل توجهی از استراتژی را بر محوریت نوآورها استوار می سازند. در نتیجه چیدمان سبد مالی آنان از ریسک و نیز بازدهی نسبتاً بالایی برخوردار است.

▪ اکثریت زود: این دسته از سرمایه گذاران فرصت های جدید را شناسایی کرده و آن را در قواعد پارادایم جاری می پذیرند و میزان سرمایه گذاری میان مدت بیشترین درصد را در سبد مالی آنان تشکیل می دهد. سبد مالی آنان از بازدهی و نیز ریسک متوسطی برخوردار است.

▪ اکثریت دیر: این افراد حداقل درصد سرمایه را به سرمایه گذاری کوتاه مدت تخصیص می دهند، استراتژی آنان فاقد برتری است و منجر به تحول اساسی در بازده مورد انتظار نمی شود و سبد مالی آنان با حداقل ریسک و نیز بازدهی همراه است.

دیر پذیرها و عقب مانده ها: این افراد استراتژی سبد سهام خود را براساس جو روانی بازار و با تاخیر زمانی تشکیل می دهند. بنابراین سبد مالی آنان با بازدهی کم و ریسک بسیار تشکیل می شود. این طبقه بندی به ما کمک می کند تا درک روشنی از سرمایه گذاری خود داشته باشیم و چنانچه انتظارات خود را از حضور در این بازار، تحقق نیافته می بینیم تغییرات لازم را برای دستیابی به نتایج مورد انتظار در رفتار سرمایه گذاری خود بدهیم. بنابراین تعیین میزان هر یک از اهداف سه گانه سرمایه گذاری همیشه تابعی از ریسک و بازده است. با توجه به اهمیت ریسک پذیری در بازار سرمایه، بدیهی است که میزان موفقیت سرمایه گذاران علاوه بر دانش و اطلاعات عمیق نسبت به بازار، تا حدود زیادی بستگی به خصوصیات شخصیتی سرمایه گذاران دارد.

اخلال در بازار سرمایه

بحث قیمت گذاری سیمان از آغاز سال جدید دوباره مطرح شد و رونق موقتی را به این گروه بازگرداند، اما مطابق معمول پس از توافقات اولیه برای افزایش نرخ سیمان به ناگاه بر مسوولان آشکار شد که این امر به دلایلی فعلاً مقدور نیست و ماجرا هنوز ادامه دارد.

در دو سال گذشته میزان فعالیت سهامداران و گردش مالی و در یک کلام سودآوری سرمایه گذاری در بورس اوراق بهادار کاهش جدی و چشم گیری یافته است. اثرات

این موضوع فرار سرمایه ها از فعالیت های تولیدی به سمت دلال بازی و خرید و حبس کالاهای سرمایه یی به مانند طلا و مسکن و زمین است که مستقیماً شاخص تورم را افزایش می دهد. آنچه منظور نظر از تحریر این مطلب است نه اثرات فرار سرمایه از بازار بورس اوراق بهادار که عوامل اصلی ایجادکننده آن است.

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان مهمترین عامل کاهش رونق در بورس اوراق بهادار افزایش تنش سیاسی به ویژه در روابط بین المللی و منطقه یی است. این موضوع اگر چه تا حدود زیادی منطبق بر واقعیت به نظر می رسد اما باعث کتمان بخش بسیار مهمتری از عوامل مخرب فضای کلی بازار بورس اوراق، یعنی تصمیمات ناگهانی و

غیرکارشناسی دولت نمی شود. به عنوان مثال از آغاز سال ۸۶ تاکنون و در مدت زمانی حدود یک ماه، عملکرد دولت باعث فروپاشی چندین گروه بسیار پراهمیت بازار شده است که به طور خلاصه به آن اشاره خواهد شد.

در ابتدای سال خبر آزادسازی نرخ محصولات پتروشیمی که به احتمال بسیار زیاد همراه با برداشتن سوبسید انرژی متعلقه به این شرکت ها خواهد بود ضربه شدیدی را به وضعیت به نسبت باثبات شرکت های پتروشیمی حاضر در بورس وارد کرد.

این تصمیم گیری همچنان می تواند در میان مدت عملکرد شرکت های پایین دستی به مانند کربن، دوده های صنعتی، تولید کنندگان روغن های صنعتی و خودرو را نیز به شدت مورد تاثیر قرار دهد. بعد از انتشار خبر این تصمیم بلافاصله شرکت های

معظم پتروشیمی خارک، پتروشیمی اراک و پتروشیمی آبادان به صف فروش فرو رفتند و شرایط نامساعد آنان هنوز نیز ادامه دارد. شرکت های پتروشیمی به ویژه شرکت پتروشیمی خارک به دلیل عظمت آن تعداد بسیار گسترده یی سهامدار دارند که همگی آنان از شرایط پیش آمده متضرر شده اند.

گروه تولیدکنندگان سیمان یکی دیگر از گروه های اصلی حاضر در بازار بورس اوراق بهادار است. عدم اخذ تصمیمی نهایی و منطقی درباره نحوه قیمت گذاری سیمان و قیمت نهایی آن سبب شده است سهامداران گروه شرکت های سیمانی در دوره های متناوب زیان های گسترده یی را شناسایی کنند.

بحث قیمت گذاری سیمان از آغاز سال جدید دوباره مطرح شد و رونق موقتی را به این گروه بازگرداند، اما مطابق معمول پس از توافقات اولیه برای افزایش نرخ سیمان به ناگاه بر مسوولان آشکار شد که این امر به دلایلی فعلاً مقدور نیست و ماجرا هنوز ادامه دارد. البته در موضوع تثبیت قیمت سیمان نباید از اعمال فشار واسطه ها و

کسانی که از رانت های ویژه برخوردارند و اختلاف قیمت هنگفت بین نرخ دولتی و قیمت بازار آزاد سود سرشاری را نصیب آنان می کند غافل بود، سود سیاه و کلان این افراد به قیمت زیان صد ها هزار سهامدار جزء شرکت های سیمانی به دست می آید و آن طور که پیش بینی می شود این روند فعلاً ادامه خواهد داشت.

گروه تولیدکنندگان روی یکی دیگر از گروه های بسیار حساس بازار است که به واسطه تصمیمات لحظه یی مسوولان در خطر زیان بسیار شدیدی قرار گرفته است.

اعمال تعرفه ۳۰ درصدی بر صادرات شمش روی باعث شده است این گروه در

شرایط بسیار شکننده یی قرار گیرد. این نکته وقتی اهمیت مضاعف پیدا می کند که

دریابیم گروه روی به ویژه شرکت توسعه معادن روی ایران سهامداران بسیار

گسترده یی دارند و معمولاً تمامی فعالان بازار بورس بخشی از سرمایه خود را به

سهام یکی از زیرمجموعه های گروه روی اختصاص داده اند.

نکته جالب تر اینکه در زمستان گذشته و در مقطعی که حفظ شاخص کل به عنوان

تنها وظیفه سازمان بورس شناخته می شد، این سازمان در اقدامی عجولانه و

غیرکارشناسی شرکت های زیرمجموعه روی را که نمادشان در آن مقطع بسته بود

و ادار به صدور اطلاعیه حتی در ساعت ۹ شب کرد تا با بازگشایی نماد این چند

شرکت از کاهش بیشتر شاخص کل جلوگیری کند؛ بدون هیچ گونه توجهی به این

واقعیت که این امر باعث زیان شدید سهامداران گروه روی خواهد شد. از دیگر نکات

جالب در مورد گروه روی بی تصمیمی درباره چگونگی و زمان واگذاری مجدد معدن

انگوران به شرکت توسعه معادن روی یا هر شرکت دیگری است.

این موضوع وقتی اهمیت مضاعف پیدا می کند که دریابیم با آغاز فصل گرما فرصت

استفاده از این معدن آغاز شده و هر چه سریع تر می باید نسبت به باطله برداری از

قسمت های فروریخته آن اقدام کرد، در غیر این صورت اکثر شرکت های رویی در

آینده با مشکل جدی کمبود خاک روبه رو خواهند شد. همه موارد فوق باعث شده است سرنوشت شرکت های رویی بر اثر تصمیمات دولت با ریسک شدیدی روبه رو شوند و آینده این شرکت ها در ابهام باقی بماند.

موضوع قابل ذکر دیگر مساله کاهش نرخ بهره بانکی است. تصمیم چند روز پیش کمیته فرعی شورای پول و اعتبار مبنی بر عدم کاهش نرخ بهره در سال جاری که بعدها مورد تایید خود این شورا نیز قرار گرفت موجب جذب سریع سرمایه ها به شرکت های بانکی و لیزینگی حاضر در بورس اوراق بهادار شد.

اما این خبر خوش برای سهامداران این شرکت ها نیز چند روزی بیشتر دوام نیاورد و اعلام شد که هیات دولت قصد دارد مانند سال های گذشته نرخ بهره را ۲ درصد کاهش دهد. جدا از اینکه این کاهش نرخ تا چه اندازه می تواند اثرات تورمی ایجاد کند، همین بی توجهی کامل به آرای یک گروه متشکل از کارشناسان خبره دولتی خود قابل تامل است.

اگر قرار است تصمیمات حیاتی مربوط به نرخ بهره مبتنی بر آرای یک نفر گرفته شود پس فلسفه وجودی نهادهای متخصص چیست و چرا دولت کارشناسان شورای پول و اعتبار را باز خرید نمی کند و آنها را به خانه نمی فرستد؟ با این کار در هزینه های دولتی نیز صرفه جویی خواهد شد.

در گروه خودرویی نیز اعمال مدیریت ضعیف و سیاست های غلط باعث شده شرکت معظم ایران خودرو نزدیک به ۵۰ درصد تعدیل منفی بدهد. اعمال نظر دولت بر موفق ترین شرکت خودروساز یعنی پارس خودرو و جایگزینی مدیر عامل سابق آن که به

خاطر راه اندازی کامل خط تولید ریو در مدت ۸ ماه موفق به دریافت لوح مدیر شایسته از دست رئیس جمهور شده بود با فردی از نزدیکان که کوچکترین تجربه فعالیت در عرصه خودروسازی نداشته باعث شده وضعیت سهام این شرکت در بورس به وخامت برسد و سهامداران این شرکت زیان های سنگینی را متحمل شوند.

همان طور هم که دیده شد این شرایط نامساعد و تصمیماتی که باعث زیان

سهامداران شده مختص یکی دو شرکت بورسی نیست و تقریباً شامل تمامی گروه های عمده بازار و تمامی سهامداران می شود.

جدای از آن اصرار سازمان بورس بر ادامه سیاست های غلط و زجرآور حجم مبنا و دامنه نوسان ۲ درصدی باعث شده جذابیت سرمایه گذاری در بورس به صفر برسد.

تحمیل شرکت های غول آسای دولتی به بورس در حالی که این بازار از کمبود مفرط نقدینگی رنج می برد نیز باعث افزایش وخامت اوضاع شده است. در پایان این سوال

پیش می آید که در فرآیند ذکر شده چه کسی مسوول مستقیم زیان های شدید سهامداران است و می باید در این مورد پاسخگو باشد؟

آموزش اصطلاحات بازار سرمایه

• نسبت قیمت به درآمد (P/E) چیست؟

نسبت میان قیمت و درآمد هر سهم شرکت را نسبت قیمت به درآمد (یا نسبت P/E) می‌نامند. اگر نسبت P/E یک شرکت بیشتر از شرکت دیگر باشد، نشان‌دهنده این است که بازار نسبت به درآمد سهام شرکت در آینده خوش بین است.

• نسبت نقدی (Cash Ratio) چیست؟

نسبت حجم نقدینگی و اوراق بهادار قابل فروش به تعهدات جاری شرکت را نسبت نقدی می‌گویند. این نسبت نشان می‌دهد که شرکت حداکثر تا چه زمانی می‌تواند بدهی‌های خود را تسویه کند.

• تحلیل فنی (Technical Analysis) چیست؟

روشی برای پیش‌بینی نوسان‌های قیمت یک سهم برپایه مطالعه نمودارها یا جداول قیمت است، با فرض اینکه تغییرات قیمت سهام یک امر تکراری است و حرکت سرمایه‌گذاران پیرو یک الگوی روانی خاص است. پس آن چه در گذشته اتفاق افتاده، در آینده نیز تکرار خواهد شد. تحلیلگر فنی، کاری به قوت و ضعف بنیادی شرکت ندارد، بلکه بر روی رفتار سرمایه‌گذاران و قیمت سهم در گذشته و آینده مطالعه می‌کند.

• نمودار تغییرات قیمت (Price chart) چیست؟

به طور معمول، تغییرات قیمت یک دسته از سهام را بر روی یک نمودار رسم می‌کنند،

به این امید که بتوانند تغییرات قیمت آن را در آینده پیش‌بینی کنند. این نمودارها در

زمینه پیش‌بینی تغییر قیمت سهام، اوراق قرضه و برگه‌های اختیار خرید و فروش

سهام رسم می‌شوند.

• بازار راکد (Bear Market) چگونه بازاری است؟

جو بدبینی حاکم بر بازار اوراق بهادار و وضعیتی که مردم باور دارند، بازار سیر

نزولی خواهد داشت. در این بازار همه فروشنده هستند و قیمت‌ها نیز به شدت کاهش

می‌یابد.

• بازار پررونق (Bull Market) چگونه بازاری است؟

به عکس بازار راکد، در این حالت مردم به آینده بازار خوش‌بین هستند و قیمت اوراق

بهادار نیز در اثر هجوم مردم برای خرید رو به صعود است.

• افزایش ناگهانی قیمت سهام چگونه است؟

افزایش ناگهانی قیمت سهام در پی یک دوره رکود یا کاهش قیمت سهام رخ می‌دهد.

• روش دادوستد یک روزه اوراق بهادار (Day Trading) چگونه است؟

در این روش، سرمایه‌گذار سهام مورد نظر خود را در طول یک روز خریداری می‌کند و بار دیگر آن را به فروش می‌رساند تا به این ترتیب از نوسان قیمت آن سود ببرد.